

مقایسه‌ی نمایشنامه‌ی تیمور لنگ اثر کریستوفر مارلو با پیش‌نمونه‌ی اسپانیایی، کتاب سیلوا اثر مخیا

مریم نویدی*، دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران - تهران
ناصر ملکی**، دانشیار گروه ادبیات انگلیسی دانشگاه رازی - کرمانشاه

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۶/۱۷

چکیده

نویسنده‌ی این مقاله بر آن است با توجه به مستندات تاریخی زندگی امیر تیمور لنگ در نمایشنامه‌ی تیمور لنگ اثر کریستوفر مارلو (و مرجعش سیلوا) به بررسی تطبیقی ماتریالیسم فرهنگی بپردازد و نشان دهد آنها از لحاظ تاریخی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند و ماتریالیسم فرهنگی چه تأثیراتی در نمود اثر داشته و چرا مارلو به نوشتن چنین اثری مبادرت کرده است. همان‌طور که می‌دانید کمتر کسی است که با جهان‌گشایی و قساوت تیمور لنگ آشنا نباشد. او با این اشتباهی سیری‌ناپذیر، جان بسیاری از مردم را گرفت تا به اهدافش در سرزمین‌های مختلف برسد. اروپاییان آن زمان کوتاه، این میل را نادیده گرفته بودند زیرا آنها تیمور را به سبب از بین بردن دشمنانشان می‌ستودند. از آن میان می‌توان به دولت اسپانیا اشاره کرد که حتی سفارتخانه‌ای در شهر سمرقند دایر نمود. این مسئله باعث شد تا نویسندگان و مورخان اسپانیایی به نوشتن کتاب‌های تاریخی درباره‌ی زندگی تیمور مبادرت کنند که از آن جمله می‌توان به کتاب سیلوا اثر مخیا و نمایشنامه‌ی تیمور لنگ اثر کریستوفر مارلو اشاره کرد که مورد توجه نویسندگان و نمایشنامه‌نویسان قرن شانزدهم (دوره‌ی الیزابت) قرار گرفت. چنین می‌نماید که مارلو با این کار زمینه را برای ماتریالیسم فرهنگی فراهم آورده است.

کلیدواژه‌ها: تیمور، ماتریالیسم فرهنگی، مارلو، تاریخ، اسلام.

* Email: Navidi.m@ut.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

** Email :Maleki_n5@yahoo.com

۱. مقدمه

ماتریالیسم فرهنگی عنوانی است که منتقد نومارکسیست، ریموند ویلیامز^۱ از آن استفاده کرد و سپس پژوهشگران بریتانیایی که به بررسی دوران نوزایی می‌پرداختند آن را به کار گرفتند. رواج این عنوان به سال ۱۹۸۵ برمی‌گردد؛ زمانی که دولیمور^۲ و سینفیلد^۳ در کتابشان با عنوان *شکسپیر سیاسی: مقالاتی در ماتریالیسم فرهنگی*^۴ از این اصطلاح استفاده کردند. این عنوان نشان‌دهنده‌ی گرایش مارکسیستی تاریخ‌گرایی پژوهشگران بریتانیایی بود. این پژوهشگران به این نظر مارکس^۵ گرایش داشتند، چراکه پدیده‌های فرهنگی روساختی هستند که توسط زیرساخت اقتصادی کنترل می‌شوند. آنان تأکید داشتند که ابزار، روش‌ها و مناسبات مرتبط با تولید هر دوره، همواره تا حد بسیار زیادی فرهنگ و محصولات ادبی عصر خود را شکل می‌دهند، و متن‌ها در زمان و مکان متفاوت، تفسیرهای متفاوتی دارند. دولیمور و سینفیلد در مقدمه‌ی کتاب *شکسپیر سیاسی*، ویژگی‌های ماتریالیسم فرهنگی را در چهار موضوع برمی‌شمرند: توجه به بافت تاریخی، روش نظری، تعهد سیاسی و تحلیل متنی. تعهد سیاسی در میان پژوهشگران بریتانیایی پررنگ‌تر است. در بریتانیا ماتریالیسم فرهنگی تحت تأثیر مارکسیسم و فمینیسم و آلتوزر^۶ و باختین^۷ نوعی تاریخ‌گرایی را ایجاد کرد که از نظر سیاسی رادیکال بود و خود را از چارچوب مسیحی محافظه‌کاری به‌دراورد که تا آن زمان مبنای پژوهش‌های مرتبط با شکسپیرشناسی بود (باری^۸ ۱۶۰). این پژوهشگران به اهمیت سیاسی متن در غیر زمان خود تأکید داشتند. آنها همچنین به نسخه‌ها و اقتباس‌های نمایشی و سینمایی متن و خوانش‌های متفاوت متن توسط منتقدان زمان‌های بعدی علاقه‌مند بودند. ماتریالیسم فرهنگی، ادبیات را منبع ارزش‌های مختلف قلمداد می‌کرد (همان ۱۶۱). آثار استوارت هال^۹، ریموند ویلیامز و

^۱ Raymond Williams

^۲ Dolimor

^۳ Sinfield

^۴ *Political Shakespeare: Some Essays on Cultural Materialism*

^۵ Marx

^۶ Althusser

^۷ Bakhtin

^۸ Barry

^۹ Stuart Hall

ریچارد هاگرت^۱ شیوه‌های تحلیل متن را از حوزه ادبیات فراتر برده‌اند و دیگر حوزه‌های فرهنگ را نیز شامل می‌شوند، اگرچه تاریخ‌گرایی نو و ماتریالیسم فرهنگی هر دو از عقاید فوکو^۲ نشئت گرفته‌اند و منتقدان برجسته ماتریالیسم فرهنگی با تاریخ‌گرایی نو امریکا باورهای مشترک زیادی دارند.

در سال‌های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ تیلیارد^۳، دو اثر ارزشمند تاریخی و بسیار تأثیرگذار با عنوان *سیمای دنیا در دوران الیزابت* و *نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر*^۴ منتشر کرد. به نظر تیلیارد، ادبیات دوره الیزابت، روح زمان خود را به تصویر می‌کشد (سلدن^۵ ۱۸۰). بنابراین، پاسخ این پرسش دور از ذهن نیست که چرا تاریخ‌گرایی نو ارتباط میان متون ادبی و تاریخی را از نگاهی نو مورد توجه قرار داد، به گونه‌ای که یکی پیش‌زمینه و دیگری پس‌زمینه‌ای نباشد، بلکه ادبیات و تاریخ، آجرهای یک بنای فرهنگی به حساب می‌آیند (پین^۶ ۳). از این لحاظ کریستوفر مارلو نیز که در دوران الیزابت می‌زیسته است از این تحولات و تأثیرات مبراً نبوده است. لذا این تحقیق بر آن است تا با رویکرد ماتریالیسم فرهنگی، به بررسی تیمور لنگ اثر مارلو بپردازد و نشان دهد اثر کریستوفر مارلو و زندگی واقعی خود تیمور لنگ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند و چه نتایجی را در پی داشته و چرا مارلو به نوشتن چنین اثری مبادرت نموده است.

۲. بحث و بررسی

زندگی تیمور

تاریخ همواره شاهد قساوت و جهان‌گشایی پادشاهانی بوده که در طول زندگی‌شان، خون مردم بیچاره را ریخته‌اند و خرابی‌ها و ویرانی‌های بسیاری به بار آورده‌اند. یکی از افرادی که همواره در اذهان مردم باقی مانده است تیمور لنگ است. او در سال ۷۳۶ بعد از مرگ ابوسعید بهادر، آخرین ایلخان بزرگ مغول، در روستای خواجه ایلغار، حوالی

¹ Richard Hoggarth

² Foucault

³ Tiliard

⁴ *World Face in Elizabeth Career and Shakespeare's Historical Plays*

⁵ Selden

⁶ Payne

شهر کش در جنوب سمرقند به دنیا آمد (پناهی ۴۹). او در طول زندگی خود به سرزمین‌های بسیاری یورش برد و گرجستان، شرق و غرب، آسیای صغیر، مصر و ایران را فتح کرد. وی برخلاف پادشاهان قبلی مسلمان بود و خودش را «شمشیر اسلام» می‌دانست. او ضمن جهان‌گشایی‌اش، مردمان کشورهای تصرف‌شده را وادار می‌کرد به اسلام روی بیاورند و مسلمان شوند (بیران ۷۵۱). تیمور یک مسلمان ترک‌زبان و نواده‌ی چنگیزخان مغول بود. او قدرت و توانایی خود در کشورگشایی را از جانب خدا می‌دانست و معتقد بود که قدرت و توانایی نظامی و سیاسی‌اش حاصل توجه او به خداست و باور داشت که خدا یکی است و حکومت دنیا هم باید در دستان یک فرد باشد (ماروزی^۱، ۲۷۱). میل تیمور به کشورگشایی باعث شده بود که در میان اروپاییان نیز شناخته شود و سفیران کشورهای اروپایی همچون سفیر اسپانیا به دربار او رفت‌وآمد داشته باشند. در زمان حکومت هنری سوم و جنگ تیمور با ترک‌ها، دو سفیر از اسپانیا به نام‌های پلایو^۲ سوتومايور^۳ و فرناندو د پالازلوس^۴، و گونسالس د کلاویخو^۵ آمدند و در شهر سمرقند سفارتخانه‌ای دایر کردند (پناهی ۷۹). در سال ۱۴۰۲ نیز چارلز ششم پادشاه فرانسه با ایران و شرق ارتباط‌های تجاری برقرار کرد.

حکومت تیمور با دوران حکومت نورمن‌ها^۶ و هنری چهارم همزمان بود (نژند ۳۴۷). پادشاهان کشورهای انگلیس و فرانسه معتقد بودند تیمور، مسیحیت را از امپراتوری ترک‌ها بازستانده و باعث شده است که تاجران آنها در خاورمیانه بمانند و تجارت کنند. تیمور نیز باور داشت که او مسیر زائران مسیحی را به سرزمین‌های مقدس هموار ساخته است (نوبلر^۶ ۳۴۱). تیمور می‌گفت: من مرد خون‌ریزی نیستم. خدا را گواه می‌گیرم که در هیچ‌یک از جنگ‌ها دشمنی نورزیده‌ام و ایجاد آشوب و هرج‌ومرج و نابسامانی همیشه از طرف دشمنانم بوده است (به نقل از گیبون^۷ ۶۶۵).

تیمور آیین اسلام را در بیشتر قسمت‌های آسیا رواج داد و کلیساها را از رونق

^۱ Marozzi

^۲ Pelayo de Sotomayor

^۳ Fernando de Palazuelous

^۴ Gonzalez de Clavijo

^۵ Normans

^۶ Knobler

^۷ Gibbon

انداخت. ابن خلدون می‌گوید: او زمانی همه مسلمانان را متحد کرد که دیگر حاکمان، چنین توانایی نداشتند (مشکور ۴۲). تیمور بر فرهنگ و مردم اروپای قرن چهاردهم و دوره‌های پس از آن، یعنی رنسانس، تأثیر بسزایی داشته است.

۳. تاریخچه نمایشنامه تیمور لنگ اثر کریستوفر مارلو

کریستوفر مارلو در دوران رنسانس، یعنی دوران حکومت ملکه الیزابت، به‌عنوان نمایشنامه‌نویس شناخته شد. این دوره یکی از پررونق‌ترین دوره‌های تاریخ انگلیس به‌شمار می‌آید و با رشد فناوری و علم و ادبیات و مذهب همراه بوده است. تغییراتی که طی دهه‌های ۱۵۴۰ و ۱۵۵۰ در انگلیس به وجود آمد، باعث شد که هنری هشتم آنگلو-کاتولیک را به‌عنوان مذهب معرفی کند که بعداً ادوارد ششم آن را به پروتستان رادیکال تبدیل کرد. پس از ماری، او کاتولیک را مذهب ملی اعلام کرد که باعث نارضایتی مردمی شد. سرانجام ملکه الیزابت برای جلوگیری از این هرج‌ومرج و نارضایتی، پروتستان را به‌عنوان مذهب ملی معرفی کرد و خودش سرپرستی کلیسای انگلیس را برعهده گرفت و تمامی انگلیس به مذهب پروتستان گرویدند و در آن زمان انگلیسی بودن، پروتستان بودن قلمداد می‌شد (سینف^۱ ۵۱).

درک این مطلب دشوار نیست که بدانیم چرا در چنین شرایطی نویسندگانی چون کریستوفر مارلو به نوعی بی‌اعتمادی مذهبی و حتی بی‌دینی گرایش پیدا کردند و آثاری پدید آوردند که با نوعی بی‌اعتقادی و خلأ باور مذهبی و ایمانی همراه بود که از آن جمله می‌توان به نمایشنامه تیمور لنگ اشاره کرد. بنابر روایت‌های مختلف، این نمایشنامه براساس کتاب تاریخی *آینه انگلیس*: نگاهی به تمامی دولت‌هایی که طی سفر مغلوب شدند^۲ نوشته شده است. این کتاب را جرج وستون در سال ۱۵۸۶ در سه قسمت به چاپ رساند: قسمت اول به تاریخچه سفر می‌پردازد؛ قسمت دوم به شکست‌ها و پیروزی‌های ملکه الیزابت، و قسمت سوم خطرات بی‌دینی و بی‌اخلاقی را گوشزد می‌کند. وستون می‌کوشد نشان دهد که خداوند همه افرادی را که بی‌دین شده‌اند تنبیه

^۱ Singh

^۲ Whetstone's *The English Mirror: A Regard Wherein All Estates May Behold the Conquests of Envy*

می‌کند ولی داستان تیمور لنگ جدا از این جریان است زیرا علی‌رغم بی‌دینی و بی‌خدایی تیمور لنگ، او به‌خاطر اینکه پایتخت مسیحیت را از چنگال ترک‌ها نجات داد از مجازات و تنبیه الهی در امان ماند. این موضوع و مسئله بی‌خدایی و بی‌دینی تیمور لنگ، بسیار مورد توجه مردم انگلیس دوران ملکه الیزابت قرار گرفت، زیرا آنها اغتشاش‌های بسیاری را در طی گرایش‌های مذهبی تحمل کرده بودند (همان ۵۵). این مسئله باعث شد نمایشنامه تیمور لنگ چندین بار به چاپ برسد و بارها روی صحنه به نمایش درآید، هرچند به مذاق اعیان و سران حکومتی آن زمان چندان خوش نمی‌آمد و آنها این نمایشنامه را حتی نوعی توهین به پروتستان‌ها می‌دانستند.

از طرف دیگر عده‌ای نیز معتقدند کریستوفر مارلو این نمایشنامه را بیشتر براساس کتاب *سیلوا د ویرالکشن* اثر پدرو مخیا^۱ نوشته است. این کتاب مجموعه‌ای از مقاله‌هایی است که در سال ۱۵۴۳ به زبان اسپانیایی به چاپ رسید (کلی^۲ ۴۴). این اعتقاد وجود دارد که بیشتر طرح داستان تیمور لنگ از بخش اول کتاب *سیلوا*^۳ گرفته شده است. این آثار بعدها به چندین زبان ترجمه و چاپ شدند. تامس فورتسکو^۴ این کتاب را با نام *جنگل یا مجموعه‌ای تاریخی*، به زبان انگلیسی ترجمه کرد (تیکنور^۵ ۵۳۸) و وستون نیز کتابش را براساس کتاب فورتسکو نوشته است. مخیا یک فصل کامل را به تیمور لنگ و حکومت او اختصاص داده و کتاب در مجموع شش فصل ادبی، تاریخی، جغرافیایی و شرح حال داشته است (وستون^۶ ۴۸). در اینجا لازم است به این نوشته انوشیروانی استناد شود:

ادبیات جهان به‌منزله بزرگراه فرهنگی است که ادبیات ملل مختلف از طریق جاده‌های فرعی ترجمه به این بزرگراه فرهنگی می‌پیوندند. وقتی انسان در این راه قرار گرفت - بدون آنکه برای خودش حق ویژه‌ای قائل باشد - در کنار دیگران حرکت می‌کند و در طول سفر به قرابت‌های بین خود و دیگران پی می‌برد (انوشیروانی ۲۸).

^۱ Pedro Mexia's *Silva de Varia Leccion*

^۲ Kelly

^۳ *Silva*

^۴ Thomas Fortesquo

^۵ Ticknor

^۶ Whetstone

همان‌طور که قبلاً گفته شد، از آنجا که تیمور لنگ در زمان حیات خویش، ترک‌ها و عثمانی‌ها را شکست داده بود از این لحاظ اروپاییان به‌خصوص حکومت‌های اسپانیا و فرانسه متعقد بودند او مسیحیت را از امپراتوری ترک‌ها نجات داده است. حتی حکومت اسپانیا در آن زمان سفارت خود را در شهر سمرقند برقرار ساخت و سفیران اسپانیایی با تیمور لنگ معاشرت داشتند. پس استناد به اسپانیایی بودن مرجع نمایشنامه مارلو تقویت می‌شود. مارلو از عوامل دولت فرانسه به حساب می‌آمد و پس از آنکه از دانشگاه کمبریج مدرک فوق لیسانس گرفت به دلیل مخالفت با عوامل حکومتی، در حادثه‌ای ساختگی کشته شد.

۴. معرفی نمایشنامه تیمور لنگ

تیمور لنگ مارلو همانند تیمور لنگ، به کشورگشایی بسیار علاقه‌مند است. او ایران و مصر و ترکیه را فتح می‌کند و نمایشنامه نیز از گفت‌وگوی شاه ایران، میستس با برادرش خسرو آغاز می‌شود. بهتر است برخی شخصیت‌های این نمایشنامه را معرفی کنیم:

کشور سیتیا^۱:

تیمور لنگ - شبان سیتیایی که بعداً پادشاه می‌شود.

تچلس^۲ - حامی تیمور لنگ که پادشاه فز می‌شود.

عشمکین^۳ - حامی تیمور لنگ که پادشاه مراکش شد.

امیراس^۴ - پسر تیمور لنگ و زنوکرات.

کلیفس (خلیفس)^۵ - پسر میانی تیمور لنگ که از جنگ می‌ترسید.

سلینوس^۶ - پسر تیمور لنگ و زنوکرات.

در کشور ایران:

میسستس^۷ - پادشاه ایران.

¹ Scythia
² Tehchelles
³ Usumcane
⁴ Amyras
⁵ Calyphas
⁶ Celebinus
⁷ Mycetes

خسرو^۱ - برادر میستس که برادرش را برانداخت و شاه ایران شد.
تریدمس^۲ - کسی که در خدمت میستس بود ولی با تحریک تیمور با او همراهی کرد.

منافون^۳ - حامی میستس و خسرو.

ارتیگیوس^۴ - سردار ایرانی.

سینیوس^۵ - سردار ایرانی.

در کشور مصر:

سلطان مصر - حاکم مصر که از تیمور لنگ شکست خورد.

زنوکرات^۶ - دختر سلطان مصر و همسر تیمور لنگ.

آنیپ^۷ - ندیمه زنوکرات

در کشور ترکیه:

بایزید^۸ - پادشاه ترکیه که تیمور لنگ را به زندان انداخت.

زینب^۹ - همسر بایزید.

کاپولین^{۱۰} - پسر بایزید و زندانی تیمور.

نمایشنامه‌ی تیمور لنگ مارلو در دو بخش است. در بخش اول، پادشاه ایران، میستس در خلال جنگ با برادرش خسرو، برای حمله‌ی ارتش ترک‌ها و تاتارها آماده می‌شود که سرپرست آن، چوپانی اهل سیتیا است که تیمور لنگ نام دارد. میستس، سردارش تریدمس را به مقابله با تیمور اعزام می‌کند. او سپس منافون را به دنبال تریدمس می‌فرستد، ولی خسرو اصرار می‌ورزد که به جای اینکه منافون را به حکومت برساند که سخنگوی آشور^{۱۱} بود، آشوری‌ها را از حمله علیه حکومت میستس بازدارد. با وعده

¹ Cosroe
² Theridamas
³ Menaphon
⁴ Ortygius
⁵ Ceneus
⁶ Zenocrate
⁷ Anippe
⁸ Bajazeth
⁹ Zabina
¹⁰ Capolin
¹¹ Assyria

تنبیه او، میستس خسرو را رها می‌کند و این نکته برای منافون آشکار می‌شود که اینها توطئه‌ای برای به حکومت رساندن خسرو بوده است. در این زمان اورتیگیوس، سردار ایرانی هم با خسرو علیه میستس هم‌پیمان می‌شود.

در سیتیا، لشکر تیمور دختر سلطان مصر، زنوکرات را اسیر می‌کند. او بعداً همسر تیمور می‌شود. در این زمان، تریدمس با تیمور هم‌پیمان می‌شود تا بر قدرت خود بیفزاید. تیمور پیروز می‌گردد و با تجلس به‌عنوان سردار سوم تیمور و عثمان‌کین همراه می‌شود.

خسرو با تیمور و تریدمس همراه می‌شود تا میستس را ملاقات کند. او آرزوهایش را به زبان می‌آورد و پادشاه ایران می‌شود و تیمور و سردارانش را به قدرت می‌رساند. وقتی ارتش تیمور با میستس روبرو می‌شود، او به‌سرعت شکست می‌خورد.

خسرو به پادشاهی می‌رسد و تیمور نیز به‌عنوان کسی شناخته می‌شود که چنانچه شاه نباشد او شاه می‌شود. تیمور با همراهانش هم‌پیمان می‌شوند که پادشاهی ایران را به دست گیرند. تیمور، ارتش خسرو را شکست می‌دهد و او را می‌کشد. بنابراین تیمور پادشاه ایران می‌شود.

در ترکیه، بایزید از گسترش فرمانروایی تیمور آگاه می‌شود و به تیمور دستور می‌دهد که حکومتش را بیشتر از مرزهای ایران گسترش ندهد، در غیر این صورت بایزید به او حمله‌ور می‌شود. ضمناً زنوکرات علی‌رغم غیبت‌های ندیمه‌اش، همسر تیمور شد و سرانجام طی حادثه‌ای به قتل رسید.

علی‌رغم تهدید بایزید، تیمور سوگند می‌خورد که بر ترکیه سلطه پیدا کند و افریقا را نیز شکست دهد. بایزید با سرداران و همسرش زینب آمد و جنگی بین آنها درگرفت و سرانجام بایزید شکست خورد.

در مصر، سلطان (پدر زنوکرات) با تیمور جنگید. ابتدا حاکم داماکوس، گروهی از دختران را پیشاپیش فرستاد که تیمور همه آنها را قتل عام کرد. در این حین، بایزید و همسرش نیز خودشان را کشتند. سرانجام تیمور بر سلطان نیز پیروز شد و به‌خاطر زنوکرات، او را زنده نگه داشت و زنوکرات را ملکه خویش اعلام کرد.

در بخش دوم نمایشنامه، تیمور همچنان به کشورگشایی ادامه می‌دهد. پادشاه کشور

سوریه، ارکنس و پادشاه مسیحی فنلاند علیه تیمور متحد می‌شوند تا کالپین پسر بایزید را آزاد کنند. تیمور پسرانش را به مقابله با آنها رهسپار می‌کند. زنوکرات نیز فوت می‌کند و تیمور دستور می‌دهد مجسمه‌اش را بسازند.

سرانجام ارکنس هم شکست می‌خورد. تیمور سپس به بابل لشکر می‌کشد. حاکم شهر در مقابل تیمور مقاومت می‌کند. سرانجام تیمور، او را می‌کشد و تمامی کتاب‌های مقدس و اسلامی را می‌سوزاند تا برتری خویش بر محمد(ص) را نشان دهد. وقتی ارتش کالپین بابل را محاصره می‌کند، تیمور در بستر بیماری می‌افتد و پسر بزرگش را جانشین می‌کند و دستور می‌دهد جسدش در کنار زنوکرات دفن شود.

۵. مقایسه‌ی نمایشنامه‌ی مارلو با مرجعش سیلویای مخیا

به نظر می‌رسد نمایشنامه‌ی مارلو برگرفته از یکی از فصل‌های کتاب *سیلوا* است. مخیا در این فصل به تیمور لنگ، زندگی او، حملاتش به کاروان‌ها، اسارت بایزید و محاصره‌ی داماکوس^۱ پرداخته است. در نمایشنامه‌ی مارلو، تیمور در صحنه‌ی گفت‌وگو با زنوکرات ظاهر می‌شود و زنوکرات او را شبان خطاب می‌کند و تیمور در پاسخ می‌گوید: «من یک سردار هستم و کارهایم این را به اثبات می‌رساند، ولی هنوز والدینم مرا شبان می‌دانند» (پرده‌ی اول، صحنه‌ی دوم). ولی در کتاب مخیا (۴۱۳)، زنوکرات این‌گونه تیمور را خطاب می‌کند: «ای کارگر بدبخت، ای شوهر، ای سرباز معمولی».

در نمایشنامه‌ی مارلو، زنوکرات با گروهی از سرداران در سفر است که تیمور حمله می‌کند. پادشاه ایران برای تنبیه تیمور گروهی از سربازان را می‌فرستد و تیمور می‌گوید: «هزاران مرد سوارکار، و ما پانصد پا» (پرده‌ی اول، صحنه‌ی دوم).

در *سیلویا* تیمور عادت داشته است به کاروان‌ها حمله کند و سرپرست کاروان نیز به تیمور خدمت می‌کند و در نمایشنامه‌ی مارلو گفت‌وگویی شعرگونه بین سردار ایرانی و تیمور، چوپان سیت راه می‌افتد. مخیا از ریشه و اصل و نسب و زندگی تیمور سخن می‌گوید ولی از سردار ایرانی، تریدمس یا دوستان تیمور، تجلس و عثمکین نامی به میان نمی‌آورد.

^۱ Damacus

شخصیت دیگری که در هر دو داستان اهمیت بسیاری دارد بایزید است. بایزید در *سیلوا* به وسیله سربازان تیمور اسیر می‌شود و از اسب بر زمین می‌افتد. در نمایشنامه مارلو، صحنه اول پرده چهارم، جنگ تیمور و بایزید توصیف شده است. در صحنه دوم نیز بایزید در قفس، اسیر تیمور است و تیمور او را «بازیچه من» خطاب می‌کند. در هر دو اثر، امپراتور ترک تنبیه می‌شود. آنچه مارلو به این بخش از نمایشنامه اضافه کرده شخصیت زینب، ملکه بایزید است که تیمور او را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «تو می‌توانی این غذاهای پس‌مانده را به همسرت بدهی. خدمتکارانم آنها را از طرف من برایت می‌آورند، ولی برای او (بایزید) غذای دیگری بیاورید. کنارش بنشین و ببین چگونه از فرط گرسنگی خودش را می‌خورد تا بمیرد» (پرده چهارم، صحنه سوم).

صحنه دیگری که مارلو آن را از مخیا گرفته محاصره داماکوس است. در پرده پنجم، صحنه اول، حاکم داماکوس با سه چهار نفر از اطرافیان و چهار کنیز، شاخه‌های برگ بو در دست به ملاقات تیمور می‌روند. آنها به خیمه تیمور داخل می‌شوند و علی‌رغم پیش‌بینی حاکم، تیمور می‌گوید: «به‌خاطر شمشیرهای آنها مرگ قسمت اینها می‌شود» (پرده پنجم، صحنه دوم). سرانجام سلطان، پدر زنوکرات اسیر می‌شود و تیمور به‌خاطر زنوکرات، زندگی‌اش را به او می‌بخشد. مخیا نیز یادآور می‌شود که شهر محاصره شده بود و حاکم تصمیم گرفت زنان و کودکان را با شاخه‌های زیتون رهسپار کند (۴۱۹)، ولی در اینجا اسم شهر نیامده و تنها اعمال مردم شهر و گستاخی و بی‌رحمی تیمور توصیف شده است.

قسمت دوم نمایشنامه با مرگ زنوکرات و بعد اتمام زندگی تیمور به پایان می‌رسد، ولی مخیا می‌گوید: تیمور بازنشست می‌شود و سرزمین‌هایش را به پسرانش می‌دهد که ناراضی‌اند و توانایی کنترل امپراتوری پدرشان را ندارند. مارلو اسم سه پسر تیمور را می‌آورد: کلیفس (خلیفس)، امیراس و سلینوس. ساختار روایتی نمایشنامه مارلو بسیار غنی است و کاملاً مشخص است که مارلو، اثر مخیا را به این زیبایی روایت کرده و به شخصیت‌ها و وقایع تاریخی استناد کرده است. گفت‌وگوها و جملات شخصیت‌ها توصیفی است از خشونت، شجاعت و بی‌رحمی. مخیا به تاریخچه زندگی تیمور

پرداخته است ولی اثر مارلو نمایشنامه‌ای است با شخصیت‌های مختلف، گفت‌وگوهای شاعرانه و شرایطی رمانتیک.

در هر دو اثر، تیمور رهبری ترسناک، خشن و پیروز توصیف شده است. مارلو در قسمتی از نمایشنامه به دیدگاه تیمور در مورد اسیران مسیحی می‌پردازد:

من خشم و تنبیه خدا هستم،

تنها ترس و وحشت دنیا،

که اول ترک‌ها را سرگون می‌کند سپس

اسرای مسیحی را که به‌عنوان برده گرفته بودید آزاد کنم

و بدن‌هایشان را با زنجیرهای سنگینتان حمل کنم

و مختصر غذایی به آنها بدهم

آنهایی که عریان در صفوف کنار دریای ترن^۱ ایستاده‌اند

و وقتی توانستند نفسی بکشند و جایی برای خویش پیدا کنند

آن‌چنان به‌شدت تنبیه خواهید شد که به‌سختی نفس بکشید

و فقط به این فکر کنید که زندگیتان را نجات دهید

و این یاغیان آرگیر^۲ که در قسمت‌هایی از آفریقا اسکان یافته‌اند

باعث پامال شدن خون مسیحیت شده‌اند (برده سوم، صحنه اول).

این عبارت‌ها شکوه و جلال تیمور لنگ را نشان می‌دهد. او خود را «خشم خدا و مسئول تخریب دنیا» می‌داند و توضیح می‌دهد که «تنبیه مسیحیان، مخالفت با خواسته خداست».

همان‌طور که قبلاً گفته شد، اروپاییان به‌خصوص کشورهای فرانسه و اسپانیا با تیمور روابط سیاسی داشتند چون باور داشتند تیمور کشورشان را از حمله ترک‌ها و قوم تاتار حفاظت کرده است و به‌نوعی تیمور را حافظ مسیحیت می‌دانستند. کشور اسپانیا حتی در شهر سمرقند سفارتخانه‌ای برپا کرد و یکی از سفرای اسپانیایی به نام گونسالس د کلاویخو، سفارت هنری سوم را بنیان نهاد.

¹ Terrene

² Argier

ولی تیمور لنگ چنین نبود. او مسلمان بود و خود را شمشیر اسلام می‌دانست و به هر سرزمینی که یورش می‌برد همه را مجبور می‌کرد به دین اسلام بگردند و مسلمان شوند. تیمور لنگی که زاده ذهن کریستوفر مارلو است نه حامی مسیح است و نه حامی اسلام. او در حمله به بابل برای اینکه برتری خویش را به محمد(ص) نشان دهد همه کتب مذهبی ترک‌ها را که در معابدشان موجود است می‌سوزاند و می‌گوید محمد اگر جرئت داشته باشد او را تنبیه می‌کند.

این جمله در حقیقت نشانگر دیدگاه پروتستان‌هایی نظیر مارلو نسبت به اسلام و مسلمانان است. آرچر^۱ می‌گوید: بت‌پرست نامیدن مسلمانان به این علت است که آنها به جای خدا، پیامبر او محمد(ص) را می‌پرستند. این امر در میان پروتستان‌های انگلیس بسیار متداول بود. پس از پیروزی انگلیس در سال ۱۵۸۸، انگلیسی‌ها اسلام را در کنار مذهب کاتولیک به عنوان دو آیین ایماژپرستی معرفی کردند، زیرا از نظر آنها مسلمانان مهره‌های سوخته به شمار می‌رفتند (۷۳).

آنچه شایان ذکر است، نمایان شدن ترک‌ها با اسلام و مسلمانان و تحقیر آنها توسط تیمور و مارلو در این نمایشنامه است. تیمور می‌گوید: عثمان‌کین! حالا بیا با تجلس و تریدمس همراه شو! ما شهرها و برج‌های ترک‌های منفور را به آتش می‌کشیم (پرده سوم، صحنه دوم). این جمله، تعصبات انگلیسی‌های دوران الیزابت را نسبت به ترک‌ها و اسلام نشان می‌دهد (هونان^۲ ۴۱).

در پرده سوم، تریدمس سعی می‌کند المپیا را با تیمور همراه کند. پس می‌گوید: «بیا با ما همراه شو/ تا مردی را ببینی که بزرگ‌تر از محمد است» (پرده سوم، صحنه چهارم). در اینجا تریدمس تیمور را با پیامبر مقایسه می‌کند و خصلت‌های خداگونه به او نسبت می‌دهد و با این کار، نه تنها به پیامبر توهین می‌کند بلکه تیمور را بزرگ می‌دارد. شخصیتی که مارلو آفریده، نه مسیحی است و نه مسلمان. برای مثال وقتی کلیفس (خلیفس) سعی می‌کند شجاعتش را به پدرش نشان دهد و می‌گوید که اگر سلطان ترک را ببیند چه می‌کند، تیمور در پاسخ به او می‌گوید: «او را بگیر و دو نصف

¹ Archer

² Honan

کن، یا من تو را دو نصف می‌کنم/ برای اینکه ما هم‌اکنون علیه آنها حرکت می‌کنیم/ تریدمس، تچلس و کاسپین/ به من قول داده‌اند که مرا در دشت‌های ریسا ببینند/ با میزبان‌ها و ترکه‌ای در مقابل لشکر ترک‌ها/ به محمد مقدس قسم/ آن یک قطعه را جزئی از امپراطوری‌ام خواهم کرد» (پرده اول، صحنه چهارم). این سطرها نشان می‌دهد که تیمور نه بی‌خداست و نه مسیحی. تیمور اگر مسلمان نبود به محمد قسم نمی‌خورد ولی مارلو نتوانست این مسئله را در شخصیت تیمور پیروانند. وقتی تیمور به بابل حمله می‌کند از عثمان‌ها می‌خواهد تمامی قرآن‌ها و کتب مذهبی را بیاورند. او سپس دستور می‌دهد همه آنها را آتش بزنند (سیمکین^۱ ۸۲). سپس تیمور می‌گوید: «کاسپین! حالا قرآن ترک‌ها کجاست، و تمام کپه‌های کتاب‌های خرافاتی/ که در معابد محمد وجود دارد/ همان کسی که فکر می‌کردم خداست/ همه آنها را باید سوزاند» (پرده پنجم، صحنه دوم). این جمله‌ها نشان می‌دهد که مارلو و جامعه مسیحیان زمان الیزابت به غلط معتقد بوده‌اند که مسلمانان، پیامبرشان را می‌پرستند. در جایی دیگر تیمور می‌گوید: «چه بیهوده می‌دیدم که مردم محمد را می‌پرستند./ شمشیر من میلیون‌ها ترک را به جهنم فرستاده است/ تمامی کشیش‌ها، خویشان و دوستانشان را کشته است/ ولی محمد هنوز هم مرا تنبیه نکرده است» (همان جا). او در ادامه می‌گوید: «حالا محمد! اگر قدرت داری/ پایین بیا و معجزه‌ای کن» (همان جا). این گفته با آنچه به مسیح مصلوب گفتند قابل قیاس است. در آن زمان اطرافیان مسیح، او را مسخره کردند و به او گفتند: از صلیب پایین بیا و خودت را نجات بده (سیمکین ۸۴).

۶. نتیجه‌گیری

در مقاله پیش رو، مستندات ماتریالیسم فرهنگی و تاریخ‌گرایی نو در نمایشنامه تیمور لنگ اثر کریستوفر مارلو را ارائه شد. آن‌گونه که مشخص شد این نمایشنامه نمودی از روابط میان فرهنگ‌های مختلف است و به مستندات تاریخی روابط دو فرهنگ می‌پردازد.

^۱ Simkin

تیمور از امیرانی بود که برخی سرزمین‌ها را به‌منظور مقابله با کشورگشایی دشمنان به تسخیر خود درآورد، از جمله بلاد اروپا و از آن میان، فرانسه و اسپانیا را. و اروپاییان برای نشان دادن خوش‌خدمتی‌شان حتی سفیر فرستادند تا تیمور را ملاقات کند و در ایران سفارتخانه بنا کنند. سفارتخانه اسپانیا را گونسالس در سمرقند بنا کرد. این ارتباطات باعث شد که نویسندگان و منتقدان انگلیسی نیز بعدها با استناد به مدارک تاریخی، آثار و نمایشنامه‌هایی پدید آورند. از میان آنها می‌توان به نمایشنامه تیمور لنگ اشاره کرد که نویسنده آن، کریستوفر مارلو در قرن شانزدهم و دوران ملکه الیزابت می‌زیست. او نمایشنامه تیمور لنگ را براساس کتاب *سیلوا* اثر مخیا نوشت. موضوع *سیلوا* تاریخی بود و مخیا یک فصل را به زندگی و جنگاوری تیمور لنگ اختصاص داده بود. اما همان‌طور که پیشتر توضیح داده شد، باورها و تعصبات و فقدان ترجمه درست کتب مقدس باعث شد مارلو در نمایشنامه‌اش تیمور لنگ را فردی بی‌دین معرفی کند. او در بخش‌هایی از کتاب، تیمور را به‌سبب شکست دادن ترک‌ها و عثمانی‌ها حامی مسیحیت نشان می‌دهد و در جای دیگر خلاف این قضیه اثبات می‌شود. آنچه روشن است عقاید مارلو و نحوه نگرش مردم انگلیس به مسلمانان است که آن را با ترک‌ها برابر دانسته‌اند. انوشیروانی می‌گوید:

در سفر همواره دو نقطه مکانی متصور است که با هم تفاوت دارند. سفر متن از زبان مبدأ آغاز می‌شود و در زبان مقصد پایان می‌یابد و این پایان آغازی دیگر است. به سخن دیگر، رهرو سفر خود را از مکانی آغاز می‌کند و پس از طی مسافت و تحمل مشکلاتی به مقصد می‌رسد، ولی متن رهرو آنگاه که گمان می‌کند به سرمنزل مقصود رسیده است و می‌تواند دمی بیارامد، خود را در سرزمینی دیگر می‌یابد که سخنان او را طور دیگری می‌فهمند. گاه او را در سرزمین مقصد گرامی می‌دارند و بر صدر می‌نشانند و شکوه و عزتی می‌یابد که در سرزمین خویش هیچ‌گاه ندیده است، گاه بی‌اعتنا از کنارش می‌گذرند، گاه با سوء ظن به او می‌نگرند و او را به خیانت متهم می‌کنند، یا با قدری تخفیف او را راهزنی می‌پندارند که مال دیگری را ربوده و از آن خود ساخته است (انوشیروانی ۸).

آن‌طور که شواهد تاریخی نشان می‌دهد تیمور مسلمان بود و خود را شمشیر اسلام می‌دانست. مارلو هم در برخی قسمت‌ها او را «خشم خدا بر روی زمین» معرفی کرده

است، ولی در بخش‌های دیگر، نگرش مردم انگلیس به مسلمانان را نشان می‌دهد. آنها درباره‌ی مسلمانان دیدگاه و باور نادرستی دارند و می‌پندارند که مسلمانان، پیامبرشان محمد را می‌پرستند. این نشان می‌دهد که مارلو و مردمان کشورش و اروپاییان، اسلام و مسلمانان را به خوبی نشناخته‌اند و دلیل آن، فقدان ترجمه‌ی درست کتب مذهبی به زبان انگلیسی بوده است و اینها باعث شده که اثر مارلو از مرجع تاریخی اسپانیایی‌اش و شخصیت تیمور لنگ واقعی فاصله بگیرد، زیرا مارلو نتوانسته تعصبات و باورهای غلط خود و مردمانش را کنار بگذارد و واقعیت را نادیده گرفته است. مخیا در کتابش چندان به شخصیت و زندگی تیمور نپرداخته و این ذهن مارلو است که شخصیت و زندگی تیمور را با این همه زرق و برق آفریده است و در جاهایی هم نمایشنامه‌ی مارلو انعکاسی است از باور مردمانش از بلاد شرق و آن زمان که مردم به اجبار ملکه الیزابت به پروتستان گرویدند. لذا نمایشنامه‌ی مارلو که شخصیتی بی‌دین را در بطن داشت، داروی آرام‌بخش برای آنها به حساب می‌آمد. از این رو می‌توان گفت که نمایشنامه‌ی کریستوفر مارلو به تفاوت‌های فرهنگی دو فرهنگ بسنده نکرده بلکه شرایط موجود در آن زمان را نیز می‌نمایاند. در حقیقت نمایشنامه‌ی مارلو را می‌توان نمادی از دنیای زمان مارلو و چالش‌هایی دانست که فقط به زمان او محدود نمی‌شود بلکه این چالش‌ها هم‌اکنون هم در دنیای امروز به شیوه‌هایی متفاوت وجود دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی
 منابع

انوشیروانی، علی‌رضا. «ادبیات جهان: از اندیشه تا نظریه». ادبیات تطبیقی: فرهنگستان زبان و

ادب فارسی. ۱/۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۰): ۱۳-۴۱.

_____ . «ادبیات تطبیقی و ترجمه‌پژوهی». ادبیات تطبیقی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۱/۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۱): ۷-۲۵.

پناهی، محمد. تیمور لنگ چهره‌ی هراس‌انگیز تاریخ. تهران: چاپخانه‌ی سلمان فارسی، ۱۳۷۰.

مشکور، محمدجواد و دولتشاهی، اسماعیل. *تاریخ ایران و جهان*. تهران: سپهر، ۱۳۵۴.
نژند، محمد. *فرهنگ دانستنی‌ها*. جلد ۲. تهران: مروی، ۱۳۶۳.

- Archer, John Michael. *Islam and Tamburlaine's World-Picture; A Companion to Global Renaissance: English Literature and Culture in the Era of Expansion*. Ed. Jyotsna G. Singh. Oxford: Wiley- Blackwell, 2009.
- Barry, P. "New Historicism and Cultural Materialism" in *Beginning Theory: An Introduction to Literary and Cultural Theory*. 3th Ed. Manchester: Manchester University Press, 2009.
- Biran, Michal. *The Chaghadaids and Islam: The Conversion of Tarmashirin Khan (1331-34)*. *Journal of American Oriental Society*. Vol. 122, No. 4, 2002.
- Gibbon, Edward. *Decline and Fall on the Roman Empire*. London: Modern library, 1978.
- Honan, P. *Christopher Marlowe: Poet & Spy*. New York: Oxford University Press, 2005.
- Kelly, James Fitz Maurice. *Historia de la literatura Espanola*. Madrid: Ruiz Hermanos, 1926.
- Knobler, Adam. *The Rise of Timur and Western Diplomatic Response*. London: Academic Press, 1995.
- Marlowe, Christopher. *The Complete Works of Christopher Marlowe*. England: Cambridge University Press, 1973.
- Marozzi, Justin. *Tamerlane: Sword of Islam, Conqueror of the World*. Hammersmith, London: Harper Collins, 2004.
- Mexia, Pedro. *Silva de Varia Leccion Compuesta Porel Magnifico Caballero*. Madrid: Sociedad de Bibliofilos Espanoles, 1933.
- Payne, M. "Introduction: Greenblatt and New Historicism." in Michael Payne (Ed.). *The Greenblatt Reader*. Malden: Blackwell, 2005.
- Selden, R. Etal. "New Historicism and Cultural Materialism." in *A Reader's Guide to Contemporary Literary Theory*. Harlow: Pearson Education Limited, 2005.
- Simkin, S. *Marlowe: The Plays*. New York: Palgrave Macmillan, 2001.
- Singh, Tajindar. *A History of English Literature*. India: Student Store Bareilly, 1993.
- Ticknor, George. *History of Spanish Literature*, New York: Harcourt Press, 1889.
- Whetstone, George. *The English Myrror; A Regard Where in All States May Behold the Conquests of Envy*. London: Winder. G. Seton, 1586.